



## لبخندهای بدون ماسک در مترو و اتوبوس

می‌گویند در تهران مسافران اتوبوس در پایانه‌ها مجبورند با ماسک وارد شوند و اگر ندارند همان‌جا بخزند و استفاده کنند. اما هیچ‌کس نمی‌گوید بعد از پایانه‌ها و در ادامه مسیر تکلیف ماسک و بی‌ماسکی چه می‌شود.

دیروز با این‌که در ناوگان اتوبوسرانی اکثریت با دارندگان ماسک بود ولی مسافران

بدون ماسک توانستند سوار شوند، مسافرانی که شاید تعدادشان زیاد نباشد و از هر ده نفر یک نفر باشد ولی وقتی در عدد روزانه مسافران که نزدیک به یک میلیون نفر است محاسبه شود، جمعیت بزرگی می‌شوند که می‌توانند ناقلان بیماری باشند. / جام‌جم دبی



# آغاز همه‌گیری ماسک

## در اولین روز اجباری شدن ماسک، شهروندان نمره قبولی گرفتند

زنگ بازگشایی ادارات که صبح دیروز خورد خبرنگاران گروه اجتماعی روزنامه جام‌جم پاشنه‌ها را ورکشیدند و در شهر پخش شدند. یکی رفت به سازمان تامین اجتماعی و کمیته امداد، دیگری رفت سراغ سازمان بهزیستی و اداره امور مالیاتی، فروشگاه شهروند و میدان تره‌بار و یک بانک هم شد سهم یکی از آنها، وزارت بهداشت و یک بیمارستان هم به خبرنگار دیگر رسید و یکی از خبرنگارها با مترو و اتوبوس خودش را رساند به بهشت زهرا. مأموریت این خبرنگاران یک چیز بود، دیروز ۱۵ تیر بود و روز اجباری شدن استفاده از ماسک در فضاهای عمومی و سرپیسته، در واقع روز محک دولت و سنجیدن کارایی یک قانون بود. خبرنگاران با این‌که دیروز در بخش‌های مختلف شهر پراکنده بودند ولی تقریباً یک چیز دیدند، استفاده حداکثری از ماسک توسط مردم، یک‌دست نبودن ادارات مختلف در اجرای پروتکل‌ها، بی‌اعتنایی برخی کارمندان به استفاده از ماسک، رعایت نشدن فاصله‌گذاری اجتماعی حتی توسط کسانی که ماسک به صورت دارند و در مجموع جلوتر بودن مردم عادی از کارمندان در تبعیت از قانون اجباری بودن ماسک. البته این اولین بار نیست که در ماجرای کرونا مردم از دولت جلو افتاده‌اند.

اولین بار در فروردین امسال و به‌ویژه در روز سیزده‌به‌در بود که مردم نشان دادند اگر اراده کنند، می‌توانند کارهای بزرگی بکنند، این مردم البته همان‌هایی هستند که اردیبهشت و خرداد با عادی‌پنداری شرایط که رفع محدودیت‌ها توسط دولت القایش می‌کرد، باعث صعود بیماری و افزایش مرگ و میرها شدند که حالا به نظر می‌رسد بار دیگر به خود آمده و عزم کرده‌اند کرونا را شکست بدهند. البته این تغییر موضع مردم می‌تواند زاییده تذکر بجای رهبری باشد که به بلندپایه‌ترین مسئولان کشور درباره ماسک‌نزدن تذکر دادند و لاف‌لر ایشان را در مقابل دوربین‌ها به خود آوردند. پس از آن نیز استفاده حسن روحانی از ماسک در جلسه اخیر هیات دولت بود که رئیس‌جمهور را برای نخستین بار با ماسک به مردم نشان داد.

## پیشگیری از کرونا در وزارت بهداشت

آب‌نرنگ، علامت فاصله‌گذاری گذاشته‌اند. مأمور انتظامات، اجازه ورود به کارمندی که ماسک نزنه نمی‌دهد، کارمند حالا باید غیبت بخورد. بعد از چند دقیقه بحث و خواهش اما وارد ساختمان می‌شود.

### بیمارستان محب‌مهر

زن قبل از ورود، ماسکش را از کیسه بیرون می‌آورد و سریع می‌زند به صورتش. همه مراجعان بیمارستان محب‌مهر، ماسک زده‌اند و هیچ‌کدامشان بدون ماسک دیده نمی‌شوند. هرچند که بدون فاصله و تنگ هم نشسته‌اند روی صندلی‌ها، حتی روی صریدرهای قرمزی که نباید وارد حریمشان شد؛ اما بانک‌ها پارچه‌صورت را پوشانده‌اند. بعضی‌هایشان حتی هرازچندگاهی، از مایع ضدعفونی‌کننده روی دیوار، دستشان را تر می‌کنند. روی در ورودی بخش تصویربرداری تاکید کرده‌اند که بیمار بدون ماسک را پذیرش نخواهند کرد. دو نفر از کارکنان خدمات، جارو به‌دست، با فاصله چند سانتی‌متر کنار هم ایستاده‌اند و بلند می‌خندند، لطیفه‌ای تعریف می‌کنند و دوباره می‌خندند.



لیلا شوقی

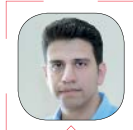
جامعه

درست روبه‌روی در بزرگ شیشه‌ای، یک بنر زده‌اند که بدون ماسک اجازه ورود به ساختمان شیشه‌ای وزارت بهداشت را ندارید. تقاضای ورود به ساختمان وزارتخانه زیاد است. تقریباً همه مراجعان و کارمندان ماسک به‌صورت دارند. در بخش ورودی ساختمان کارمندان تا وارد می‌شوند، ماسک‌ها را برمی‌دارند تا دستگاه ساعت‌زنی چهره‌شان را شناسایی و ثبت کند.

در ورودی دیگر کارکنان اما اثری از دستگاه ساعت‌زنی با چهره نیست و کارمندان باید برای ثبت ورود و خروجشان انگشت بزنند. انگشتانی که در دستگاه ثبت می‌شود و چند دقیقه بعد، همکار دیگری، روی همان دستگاه انگشتش را برای ورود ثبت می‌کند؛ اتفاقی که به شیوع کرونا دامن می‌زند. ورودی مراجعان شلوغ‌تر است. صدای درخواست‌های زن میانسالی توی فضا پیچیده است. زن از مدرک پزشکی و امضایی که یکی از پزشکان وزارتخانه باید زیر پرونده‌اش بزند، می‌گوید. روی صندلی‌های

## ماسک اجباری

## برای کارمند و ارباب‌رجوع



محمدحسین خودکار

جامعه

مأمور حراست بهزیستی به شخصی که ماسک ندارد تذکر می‌دهد و می‌گوید همه باید ماسک داشته باشند وگرنه حق عبور از گیت را ندارند. مرد توان‌یاب نیز که ماسکی به همراه ندارد، ناچار می‌شود برای خرید ماسک، از ساختمان بیرون برود. در همان حال که مرد

توان‌یاب انتظار برگشتن

همراهش را می‌کشد، یکی از کارمندان سازمان بدون ماسک از گیت خارج می‌شود. قبل از خروج از گیت نیز انگشت می‌زند تا خروجش را ثبت کند. پشت سر او نیز کارمندی دیگر که البته او ماسک به صورتش زده، از همان گیت خارج می‌شود و دقیقاً روی

همان نقطه انگشتش را می‌فشارد. حال آن‌که اگر قرار است کرونایی منتقل شود، امکان سرایت این ویروس از همان محل انگشت‌نگاری گیت خروج هم وجود دارد. مرد دچار معلولیت نیز همان لحظه به اعتراض به انتظامات ورودی می‌گوید: چرا وقتی برخی کارمندان خودتان ماسک ندارند، اجرای

## همه با ماسک



میثم اسماعیلی

جامعه

صبح فروشگاه خلوت است، تقریباً همه مشتریان هم ماسک دارند، پرسنل فروشگاه هم همین‌طور. تمام رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی مشتریان و پرسنل اما خلاصه شده به ماسک، چراکه صف صندوق این فروشگاه بی‌توجه به رعایت فاصله‌گذاری معمول توسط مشتریان اشغال شده، فاصله بین صندوق‌دار و مشتری با نایلون یک‌دست و بلندی پوشانده شده و صندوق‌دار که مردی ۴۰ ساله می‌زند ماسک، دستکش و حتی گان آبی رنگی به تن کرده. همین تجهیز صندوق‌دار است که زن جوان جلویم را حتماً مجبور به سوال می‌کند. از صندوق‌دار می‌پرسد از خانواده‌شان کسی بوده که مبتلا شده باشد؟ مرد ۴۰ ساله فکری می‌کند و مودبانه می‌گوید از اقوام دورشان بوده‌اند که بهبود یافتند. نتیجه‌گیری زن اما شوکه‌ام می‌کند. زن می‌گوید: «از خانواده پرجمعیت ما هم همین‌طور، کسی نبوده که گرفتار شود. همه اینها بازی خودشان است!» بهت را نگاه میان من و صندوق‌دار رد و بدل می‌شود. انتظارم از تحول رسوب می‌کند. روانه می‌شوم سمت بانک.

### بانک ملت، خیابان کیانی

موقعیت قرارگیری این شعبه به واسطه شلوغی آن منطقه و دور بودن شعبه‌های دیگر یعنی از حاد مدام. در ورودی بانک، چهار اطلاعیه با فونت درشت نصب شده که هشدار می‌دهد از افراد بدون ماسک جلوگیری می‌شود. از همین چهار کاغذ A4 است با همان اجبار کلی هر چه هست انگار کارگر افتاده، چراکه از مجموع ۴۰ ارباب رجوع منتظر در بانک همگی با ماسک نشسته‌اند در انتظار رسیدن نوبت‌شان. کارمندان هم همه ماسک زده‌اند. این‌که بی‌نوبت می‌روم سراغ صندوق‌دار کمی معذبم می‌کند، اما اولین حرفم این است که سوالم بانکی نیست. از او درباره تأثیر این اجبار در رفتار مشتریان شعبه می‌پرسم، انگار تعصبی نسبت به شهروندان آن منطقه داشته باشد، می‌گوید: اینجا پیش از اجبار هم همین‌طور بود. تقریباً همه مردم محل رعایت می‌کنند. قبل از این هم رعایت می‌کردند. می‌پرسم اگر کسی ماسک نزنده باشد، شما کارش را راه می‌انداز؟ دست می‌کند پشت پرینتر و صندلی چرخدارش را هل می‌دهد سمت گیشه. در دستش چند بسته ماسک است. می‌گوید: «اول به او ماسک می‌دهم بعد کارش را راه می‌اندازم. گفته او استدلال زن جوان و نگاه صندوق‌دار را می‌شوید.»

## زندگی با ماسک ادامه دارد



نرگس خاتمی‌زاده

جامعه

اولین صحنه‌ای که هرکسی هنگام ورود به شعبه ۲۴ سازمان تأمین اجتماعی در شرق تهران با آن روبه‌رو می‌شود، کاغذ چسبانده شده به در ورودی اصلی است که تذکر می‌دهد: «لطفاً با ماسک وارد شوید.» تذکری که اغراق نیست بگویم به طور صددرصدی همه آن را رعایت می‌کنند و حتی یک نفر هم بدون ماسک در این شعبه حضور ندارد؛ البته قانون اجباری شدن ماسک در مکان‌های عمومی و پرجمع و نظارت مأمور حراست و اسپری ضدعفونی‌کننده دستش در محوطه ورودی شعبه هم در این رعایت صددرصدی بی‌تأثیر نبوده است: «آقا ماسک بزنید بعد تشریف بیارید داخل» و جلوی آقایی را که بدون ماسک قصد دارد وارد مجموعه شود. می‌گیرد؛ برخوردی که بدون هیچ اعتراضی اتفاق می‌افتد اما مأمور حراست شعبه می‌گوید که البته همیشه هم این‌طور نیست: «ما اجازه ورود هیچ‌کس بدون ماسک را به داخل مجموعه نمی‌دهیم اما اگر در این بین کسی هم از این ممنوعیت معترض شود و سر و صدا به‌راه بیندازد، این اعتراض را ادامه نمی‌دهیم اما هیچ‌کدام از متصدیان سازمان، به امور آن فرد رسیدگی نمی‌کنند و کارش را راه نمی‌اندازند تا خودش پشیمان شود و برود.»

اما رئیس شعبه ۲۴ سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید، درست است که زدن ماسک از امروز اجباری شده اما ما تقریباً خیلی وقت است که اجازه ورود افراد بدون ماسک را به داخل نمی‌دهیم اما خب از امروز شدت عمل مان بیشتر شده است: «در طول این مدت، ماسک برای همه کارمندان و مراجعه‌کنندگان اجباری است؛ روی میز هر متصدی محلول ضدعفونی‌کننده وجود دارد و همه می‌توانند از آن استفاده کنند. حتی آسانسور هم قطع است و کار نمی‌کند؛ اتاق آسانسور بسیار کوچک است و تجمع افراد در آن می‌تواند خطرناک باشد.» حالا گاهی لازم است مراجعه‌کنندگان تا طبقه چهارم هم بروند، اما انگار هم کارمندان و هم مردم می‌دانند که قطع بودنش بهتر از فعال بودنش در این روزها است که کسی از بالا رفتن پله‌ها اعتراضی ندارد؛ حالا چند هفته‌ای می‌شود که کسی چهره بدون ماسک افراد و آسانسور فعال شعبه را ندیده است.

### کمیته امداد و پیشگیری از کرونا

دالان باریک، ساکت و آرام است. انگار که وارد ساختمان متروکه شده باشید، هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. اتاق‌های رسیدگی به مراجعان بسته است. از دالان که عبور می‌کنیم، ساختمان بلند سفیدرنگی خودش را نشان می‌دهد، اینجا ساختمان اصلی کمیته امداد امام خمینی (ره) است. یک باغبان باماسک، به گل‌های محوطه رسیدگی می‌کند. جلوی در ورودی، یک دستگاه ضدعفونی‌کننده گذاشته‌اند. ضدعفونی که تمام شد، در باز می‌شود. یک نفر جلوی در ایستاده است. بدون ماسک کسی را به داخل راه نمی‌دهد. یک نفر دیگر، تب مراجعان را می‌سنجد. هرکسی اجازه ورود ندارد؛ جز دو مراجعه‌کننده، شخص دیگری درون ساختمان کمیته امداد نیست. دلیل را که می‌پرسم، کارمندی که ماسک زده است، جواب می‌دهد: «از زمانی که کرونا آمده است، مراجعان به ساختمان شعب ما در هر منطقه مراجعه می‌کنند.» این کار مراجعه به ساختمان اصلی را کاهش داده است. صدای خنده کارمند دبیرخانه، سکوت را برای لحظه‌ای می‌شکند. کارمندان ماسک زده‌اند و در حال تعریف کردن خاطره هستند.

دو نفر دیگر با ماسک، چندقدم آن طرف‌تر، پشت میزشان نشسته‌اند و می‌خندند. صدای باز شدن در ساختمان در صدای ضدعفونی‌کردن گم می‌شود، زن و پسر جوانی با ماسک مراجعه کرده‌اند، انتظامات دم در، زن و پسر را راهنمایی می‌کند. در بسته می‌شود و دوباره صدای دستگاه ضدعفونی‌کننده می‌آید، صدای یکی از مراجعان که می‌گوید استفاده از ماسک برای سلامتی خودمان است.

### بازارچه میوه، بلوار ابوذر

بازارچه میوه و تره‌بار این منطقه سروپوشیده نیست، اما تقریباً همه مشتریان با ماسک قیمت‌ها را زیر و رو می‌کنند. از کاسبان اما تک و توک هستند که ماسک ندارند و اگر هم دارند آن را پایین زده‌اند تا احتمالاً هوایی بخورند؛ مورد عجیب در مغازه سبزی‌خردکنی است. تجمع نزدیک به ده زن پشت در مغازه‌ای کوچک. همه زن‌ها ماسک دارند و تک و توک از آنها مجهرتر هم هستند. هیچ‌کدام اما رعایت فاصله را نمی‌کنند و در حال مشاوره برای خرید هستند. از کارگر سبزی‌خردکنی درباره میزان رعایت مشتریانش می‌پرسم، به جای او تقریباً همه زن‌ها اظهار نظر می‌کنند. همه جور جوابی هم در میان این گفته‌ها هست. از ادعای بی‌تأثیری استفاده از ماسک در شیوع کرونا گرفته تا وعده واکسنی که به گفته آشنای یکی از این زن‌ها قرار است تا هفته دیگر رونمایی شود؛ همه اما در این نکته اتفاق نظر دارند که تقصیر خودمان است.

